

نگاهی به نسخ خطی و ترجمه‌های تاریخ رشیدی

۱. اسلام چمنی*، ۲. بهروز بیک بابایی**

۱. استاد دانشگاه الفارابی قزاقستان، مدیر مرکز تحقیقات توران- ایران، آلماتی، قزاقستان

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات ترکی استانبولی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷)

چکیده

تحقیق و بررسی آثار قدیمی که به زبان فارسی نوشته شده‌اند، در شناخت هرچه بهتر زبان و ادبیات فارسی و تاریخ زبان فارسی بسیار سودمند خواهد بود. همچنین، در صورتی که این اثر خارج از جغرافیای ایران، ولی در جغرافیای فرهنگی ایران مثل کاشغر چین باشد، اهمیت شایانی خواهد داشت. کتاب تاریخ رشیدی اثر «محمد حیدر دوغلات» که در قرن شانزده میلادی درباره تاریخ نوادگان چنگیزخان در کاشغر چین به زبان فارسی به رشته تحریر درآمده‌است، به نوعی ادامه اثر هم‌نامش تاریخ رشیدی اثر «رشیدالدین فضل‌الله همدانی» است، ولی به اندازه هم‌نامش شناخته نشده‌است؛ به عبارت دیگر، تصحیح، بررسی و مورد استفاده وسیع قرار نگرفته‌است. بنابراین، در این مقاله سعی خواهیم کرد به اهمیت کتاب اشاره کنیم و به نسخه‌های موجود اثر نگاهی گذرا داشته باشیم. همچنین، به مصححان و نسخه‌های تصحیح‌شده اشاره‌ای کنیم و درباره نوع ترجمه‌های آن به زبان‌های مختلف و آثار تحقیقی و علمی که از این کتاب به عنوان منبع استفاده کرده‌اند، بررسی کوتاهی انجام دهیم. بدین طریق، سعی خواهیم کرد وضعیت مشخصی از کارهای انجام‌گرفته بر این اثر گرانبه‌تر داشته باشیم و اطلاعات اولیه‌ای برای کنجکاوان و محققان ارائه دهیم.

کلیدواژه‌ها: تاریخ رشیدی، محمد حیدر دوغلات، آثار خطی، تصحیح آثار خطی، ترجمه آثار خطی.

* E-mail: jemeneyislam@gmail.com

** E-mail: bekbabayi@atu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

در زمانی که هنوز نوشتار به زیور چاپ آراسته نشده بود، همهٔ علوم که به وسیلهٔ عالمان با قلم و دوات به رشتهٔ تحریر درمی‌آمدند، تنها از طریق دست‌نویسی از روی نسخهٔ اصلی تکثیر می‌شدند و در دسترس مخاطبان خود قرار می‌گرفتند. بنابراین، به دلیل زمان‌بر بودن دست‌نویسی و محدود بودن امکانات، همیشه تعداد این نسخ خطی، حتی برای آن نوع کتاب‌هایی که در زمان خود اثر شهرت کافی داشتند، کم است، چه رسد به آثاری که در زمان خود به آن‌ها توجه زیادی نمی‌شد.

کتاب *تاریخ رشیدی* به دلیل چنین نامی، کتاب «جامع‌التواریخ» اثر رشیدالدین فضل‌الله همدانی را به ذهن خواننده متبادر می‌کند که انطباق درستی نیست؛ زیرا کتاب اخیر در سال ۱۳۱۰ میلادی، یعنی بیش از دو قرن پیش‌تر تحریر شده‌است. در واقع، «تاریخ رشیدی» اثر «میرزا محمد حیدر دوغلات» دنبالهٔ تاریخ رشیدالدین فضل‌الله است؛ زیرا دربارهٔ چنگیزخان (۱۱۶۲-۱۲۲۷) و فرزندان وی «جوجی»، «جغتای»، «اوکتای» و «تولی» کتاب‌های زیادی نوشته شده‌است. از جملهٔ این کتاب‌ها، *جامع‌التواریخ* تألیف رشیدالدین فضل‌الله در تاریخ چنگیزی است که تفصیل و اهمیت خاصی دارد. در مقابل، دربارهٔ نسلی از چنگیزیان است که در ملل غالب خود، مغلوب فرهنگ آن‌ها و در میان ملل مغلوبهٔ خود ادغام شدند. در این راستا، دربارهٔ اولاد جوجی و جغتای که در قفقاز و آسیای مرکزی حکومت می‌کردند و سرانجام، در فرهنگ و زبان ترکی ادغام و مسلمان شدند، هیچ‌گونه کتاب و اثری به تحریر نیامده‌است. به نظر مؤلف اثر، برای اینکه بازماندگان چنگیزی برای همیشه از خاطر تاریخ محو نشوند، وی مجبور شده‌است که این تاریخ‌نامه را با تمام کم‌استعدادی و بی‌مایگی دانش خویش به تحریر درآورد، تا آیندگان از سرنوشت نسلی که رو به اضمحلال بود، باخبر شوند. از سوی دیگر، آنچه برای مؤلف کتاب اهمیت داشت، پذیرش دین اسلام از سوی بازماندگان مغولی بود. محمد حیدر دوغلات اعتقاد دارد اولین کسی که اسلام را پذیرفت، «توغلق تیمور» (تغلق تیمور) است و مبنای آغاز تاریخ‌نویسی خویش را در ارتباط با چگونگی مسلمان شدن توغلق تیمور قرار می‌دهد. توغلق تیمور از سلسلهٔ اولاد جغتای فرزند دوم چنگیزخان است. از طرف دیگر، با سرنوشت تاریخی سلسلهٔ نسل جوجی خان و چگونگی تشکیل

خانات قزاق آشنا می‌شویم که این موضوعات در مقاله‌ای با عنوان *بعد تاریخی کتاب به صورتی مفصل‌تر بیان خواهد شد*. غرض از این مقدمه، این است که کتاب *تاریخ رشیدی* تنها منبع کتبی در گزارش وقایع تاریخی ۱۳۴۰-۱۵۴۶ در گستره جغرافیایی وسیع کشمکش‌های شاهان و خانان است که از سوی پژوهشگران و تاریخ‌دانان مورد توجه و التفات قرار گرفته‌است و از سوی یک گروه محقق به عنوان منبع تاریخی بسیار مهم و منحصر به فرد مورد استفاده قرار گرفت و نسخه‌های دست‌نویس اثر از سوی کاتبان تهیه و تکثیر گردید. سرانجام، ترجمه کتاب به زبان‌های معتبر جهان صورت گرفت.

محمد حیدر دوغلات، مؤلف کتاب، در سال ۱۴۹۹ میلادی در محلی بنام اوراتپه نزدیک تاشکند به دنیا آمد و در سن پنجاه و دو سالگی در ۱۵۵۱ میلادی در کشمیر هندوستان با اصابت تیری در تاریکی بدرود حیات گفت و در «مزار سلاطین» شهر سری‌نگر به خاک سپرده شد. میرزا حیدر علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و سپاهی‌گری صاحب دو اثر تاریخی و ادبی به نظم و نثر به زبان‌های ترکی و فارسی نیز می‌باشد. اولین اثر وی، منظومه *ترکی جهان‌نامه* و دومین اثرش، کتاب *تاریخی تاریخ رشیدی* به زبان فارسی است. کتاب اخیر، میرزا حیدر را به عنوان صاحب تألیف آن مشهور عام و خاص نمود.

۲. اهمیت و هدف پژوهش

اگر به محتوای آثار دست‌نویس توجه کنیم، متوجه می‌شویم این آثار چه مسائل و معماهای دوره خود را می‌توانند حل کنند. به‌ویژه از نظر نشان دادن تاریخ، فرهنگ و ادبیات آن دوره بسیار حائز اهمیت هستند. اما چون این آثار مشمول گذر زمان می‌شوند و در گذر زمان هم زبان دچار تغییر می‌شود، زبان این آثار ممکن است برای گویشوران امروزی آن زبان، سخت یا غیرقابل فهم باشد. در اینجا است که باید از تخصص متخصصان دوره‌های مختلف آن زبان بهره برد.

محمد حیدر دوغلات (۱۴۹۹-۱۵۵۱ م.) کتاب *تاریخ رشیدی* را در بین سال‌های ۱۵۴۶-۱۵۴۲ میلادی در شهر کشمیر به زبان فارسی به رشته تحریر درآورده‌است.

موضوع کتاب، تاریخ بازماندگان چنگیزخان و حوادث تاریخی قرون چهارده، پانزده و شانزده میلادی است.

کتاب تاریخ رشیدی اثر محمد حیدر دوغلات که در قرن شانزده به رشته تحریر درآمده است، چنین ارزشی دارد. این کتاب که در کاشغر چین به زبان فارسی نوشته شده است، وسعت جغرافیای فرهنگی گسترش زبان فارسی را در قرن شانزدهم نشان می‌دهد. همچنین، این اثر درباره تاریخ بازماندگان چنگیزخان نوشته شده است و از آنجا که این خاندان در دوره‌ای از تاریخ بر جغرافیای ایران حکومت می‌کردند و در فرهنگ و تمدن ترکی- ایرانی ذوب شدند، برای پژوهشگران زبان فارسی و ایرانیان حائز اهمیت فراوانی است.

کتاب تاریخ رشیدی، اگرچه از تاریخ بازماندگان چنگیزخان، امیر تیمور، ازبک، قزاق و شیخ صفی تا بابر، افغان، تبت و هند سخن به میان می‌آورد و اثری تاریخی به حساب می‌آید، در واقعیت امر اطلاعات جغرافیایی بسیار زیادی درباره ممالک متعددی امثال تبت، کاشغر و کشمیر و در واقع، از گذشته چین، هندوستان، پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی امروزی به دست می‌دهد. از سویی، می‌تواند گلچین مجموعه آثار ادبیات عرفانی قرون میانی دنیای اسلامی به حساب آید؛ زیرا در این اثر، به طور وسیع و عمیق با عبدالرحمن جامی، نوایی، عطایی، بابر، لطفی، سکاکی و دیگر اندیشمندان، علما و عارفان بزرگ می‌توان ارتباط نزدیک روحی و قلبی برقرار کرد که این امر صحنه بر بعد ادبی اثر مذکور تواند بود. کتاب از ژرفای جهان‌بینی اسلامی و فلسفی هم خواننده را به تأمل وامی‌دارد. البته مطالعه این اثر در امر پژوهش تاریخ اسلام نیز خالی از فایده نخواهد بود. همه این ویژگی‌های کتاب، توجه پژوهشگران و محققان علوم مختلف را به خود جلب نموده است که بحق ترجمه آن به زبان‌های مختلف را می‌توان سودمند ارزیابی کرد.

۳. روش کار

در این مقاله، برآنیم که نسخه‌های دستنویس موجود از تاریخ رشیدی و ترجمه‌های آن را به زبان‌های مختلف و آثار تحقیقی و علمی که از این کتاب به عنوان منبع استفاده

کرده‌اند، به اختصار بررسی کنیم. از طرفی، نسخه‌های تصحیح‌شده به وسیله مصححان را مورد توجه قرار داده‌ایم و اطلاعات اولیه‌ای برای کنجکاوان و محققان فراهم کرده‌ایم.

۴. نسخه‌های خطی اثر

خوشبختانه نسخه‌های خطی چنین اثر باارزشی در بایگانی کتابخانه‌ها و مراکز علمی معتبر کشورهای مختلف دنیا موجود است. از آن جمله، نسخه‌ای که در موزه بریتانیا به شماره «ادد بیست و چهار هزار و نود» (ADD24090) بایگانی شده، به خط نستعلیق نوشته شده است و ۳۴۲ برگ دارد و هر برگ در دو صفحه آمده است و هر صفحه دوازده سطر و برخی هیجده سطر دارد. اندازه هر صفحه، ۱۸×۱۱ cm و حجم نوشتار در هر صفحه، ۱۴/۷×۵cm است. با توجه به صفحات کتاب، می‌توان آن را نسخه کاملی به حساب آورد. همچنین، این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۳۲۱۸ با نسخه میکروفیلم ثبت شده است و ۱۸۵ برگ، هر برگ دو صفحه و هر صفحه نیز پانزده سطر دارد. ابعاد نوشتار هر صفحه، ۱۴/۷ cm است. صفحات کامل نیست و حدود نیمی از صفحات نسخه، شرح زندگی علاءالدین عطار را در بر دارد. صفحات اولیه آن موجود نیست. این معلومات را از نسخه عکس‌برداری‌شده آن که ریاست دانشگاه تهران به سرمفتی وقت قزاقستان، عالم شرق‌شناس، «پروفسور دکتر عبد ستار دربسعلی»، اهدا کرده بود و ایشان هم آن را به استاد «دکتر اسلام چمنی» سپرده‌اند، حاصل کرده‌ایم. این کتاب در بایگانی انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی تاشکند در ازبکستان به شماره ۱۴۳۰ نیز ثبت شده است و ۳۲۱ برگ دو صفحه‌ای دارد. ابعاد هر صفحه، ۲۳/۱۳×۵ cm است و به خط نستعلیق نوشته شده است. این هم در ردیف نسخه کامل برآورد می‌شود و نسخه ترجمه ترکی اثر هم با شماره ۱۰۱۹۱ موجود است.

همچنین، این اثر در انستیتوی نسخ خطی دوشنبه در تاجیکستان با شماره ۴۷۵ ثبت شده است و نسخه کاملی به حساب می‌آید. ۳۵۷ برگ دو صفحه‌ای دارد و ابعاد هر صفحه ۲۴×۱۶ cm است. نسخه موجود در بایگانی نسخ خطی سن‌پترزبورگ فدراسیون روسیه به وسیله «و.م. تکرستون» در دانشگاه هاروارد آمریکا، با تصحیح متن فارسی آن به زبان انگلیسی ترجمه شد و در سال ۱۹۹۶ میلادی به دو زبان فارسی و انگلیسی از سوی

دانشگاه منتشر گردید. همچنین، نسخه‌های ترجمه ترکی اثر در نسخه‌های کامل و ناقص در این بایگانی موجود می‌باشد (ر.ک؛ تکرستون، ۱۹۹۶م: ۶).
نسخه موجود اثر در بایگانی موزه کتابخانه بریتانیا (نسخه لندن) به وسیله «دکتر عباسقلی غفاری فرد» تصحیح و به زبان فارسی در تهران با شرح و بسط مفصل در سال ۲۰۰۴ میلادی به چاپ رسید (ر.ک؛ دوغلات، ۱۳۸۴). مصحح این اثر برای پژوهندگان در زبان فارسی، کار بسیار ارزنده و مفیدی را به انجام رسانیده‌اند که جای سپاس و تحسین دارد. در اینجا لازم دیدیم که نظر غفاری فرد، مصحح کتاب را درباره سبک و شیوه نگارش کتاب میرزا حیدر نقل کنیم:

«بدیهی است که از سربازی حرفه‌ای و امیری حکومتگر چون میرزا حیدر ترک نمی‌توان انتظار داشت که مورخی باشد صاحب‌سبک در زبان فارسی؛ مثل مؤلف تاریخ بیهقی؛ و یا خالق عبارات دلنشین و سلیسی مانند عبارات خواجه امیر، اسکندریبگ منشی...؛ زیرا زندگانی وی عمدتاً در کاشغر و در میان مغولان ترک‌زبان و یا در ده سال آخر در کشمیر می‌گذرد. زبان فارسی برای او، نه زبان مادری، بلکه زبانی اکتسابی است؛ آن هم در محیطی که فارسی‌زبانان هنوز اندک بوده‌اند. باید در نظر داشت که حتی ظهیرالدین محمد بابر که در ماوراءالنهر می‌توانست از ادب و زبان فارسی بهره کافی داشته باشد، خاطرات خود (بابرنامه) را به زبان ترکی تألیف کرده بود و شاید از همین مورد بتوان نتیجه گرفت که میرزا حیدر در نگارش تاریخ خود به زبان فارسی، تکلیفی نه چندان ساده به عهده داشته‌است. در واقع، سبک او لحن ویژه‌ای دارد؛ زیرا به نظر می‌رسد که وی قبل از تنظیم عبارات و جملات به فارسی روان، نخست آن‌ها را به ترکی اندیشیده، سپس به فارسی روی کاغذ منتقل ساخته‌است. به همین سبب، جملات او در مواردی فاعل و مفعول ندارد و درک مفهوم آن نیازمند تأمل و اندیشه است؛ مثلاً جملاتی از این قبیل: "چون خبر آمدن مغول را ترکستان شنود؛ یعنی بروج اوغلان که فاعل این جمله است، وقتی شنید که مغول‌ها به ترکستان آمده‌اند. یا اینکه وقتی سلطان سعید خان در جنگ با ازبکان زخمی و اسیر می‌شود، آن واقعه را چنین بیان می‌کند: "چون لشکر پدرش درهم شکست، قوت فرار نماند. مردم آن نواحی گرفتند. چون فی‌الحال قوت رفتن نداشت، پیش کسی نبردند". چنان‌که ملاحظه

می‌شود، با حذف سلطان سعید که مفعول جمله است، عبارت ناقص به نظر می‌رسد. با این همه، نباید تصور کرد که نوشته‌های میرزا حیدر فاقد مضامین بدیع و عاری از لطافت و عذوبت نظم و نثر است و حتی به عبارتی شاید بتوان گفت که صاحب هنر جذب خواننده نیز هست؛ بدین معنی که میرزا حیدر وقایع تاریخی را چنان هنرمندانه و بدون خدشه‌دار کردن اصالت تاریخی آن بازگو می‌کند که خواننده خود را با رمان جذابی روبه‌رو می‌بیند و همواره مشتاق پیگیری وقایع است» (دوغلالت، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۵).

در اینجا، نکات ظریف نقد دکتر غفاری‌فرد بر سبک و شیوه نگارش میرزا حیدر دال بر تیزیابی و صداقت وی در امر پژوهش است. لازم به ذکر است که ما نیز در بررسی و تصحیح اثر بر نظرات ایشان وقوف حاصل کرده‌ایم.

تاریخ‌نگاران و پژوهندگان فرهنگی از این اثر دایرةالمعارفی به عنوان منبع و مأخذ تاریخی تا به امروز بدون وقفه استفاده می‌کنند که خود نشانه اهمیت و ارزش بالای اثر است و ما نیز تا حد اطلاعات خود، از آن‌ها ذکر می‌کنیم. به دستور جلال‌الدین محمد اکبرشاه (۱۶۰۵-۱۵۵۶ م.) به وسیله چند تن از علما، از جمله احمد تتوی و آصف قزوینی کتابی با عنوان *تاریخ الفی* به سال ۱۵۸۵ میلادی تألیف شد. این کتاب وقایع تاریخی از زمان وفات پیامبر اسلام^(ص) تا زمان سلطنت اکبرشاه را در بر می‌گیرد. مؤلفان این کتاب برای اولین بار لقب «دوغلالت» را درباره طایفه اجدادی مؤلف به‌کار می‌گیرند و او را «میرزا حیدر دوغلالت» معرفی می‌کنند (ر.ک؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۷۸: ۴) که بعدها مورد استفاده دیگر محققان و مترجمان قرار می‌گیرد. آنجا که می‌نویسند:

«میرزا حیدر دوغلالت که به وقت سلطان سعیدخان، کشمیر را به تصرف درآورده بود، به عرض رسانید که فتح کشمیر در کمال سهولت است. میرزا حیدر به کشمیر درآمد و کشمیریان که با یکدیگر مخالفت داشتند، جمع آمده، میرزا حیدر را ملازمت کردند و به قوت ایشان، کشمیر بی‌جنگ و نزاع به تصرف میرزا حیدر درآمد و به تاریخ بیست‌ودوم رجب، میرزا حیدر در کشمیر حاکم شد» (همان: ۲۷۱-۲۷۵).

امین احمد رازی مؤلف کتاب *تذکره هفت اقلیم*، اثر خود را در سال ۱۵۹۳ میلادی نوشت. وی در جای‌جای کتاب خویش از نوشته‌های *تاریخ رشیدی* به عنوان مأخذ سود

می‌جوید و مؤلف کتاب را بدون لقب «دوغلالت» فقط «میرزا حیدر» خطاب می‌کند (ر.ک؛ رازی، ۱۳۸۹: ۱۶۶۱). احمد رازی دیدگاه و شناخت خود را دربارهٔ میرزا حیدر چنین بیان می‌کند:

«میرزا حیدر نسبتاً محمد حیدر میرزایی است که سبق ذکر او در تحت سلاطین کاشغر کرده آمد و از او کارهای نیک به ظهور آمده و با وفور لطف طبع و درستی املاء و سنجیدگی انشاء و حسن نظم بغایت شجاع و مردانه بوده و دأب سپاهیگری را نیک می‌دانسته؛ چنانچه یک مرتبه به اشارهٔ سلطان ابوسعیدخان از راه کاشغر و تبت به کشمیر درآمده، رایت استیلاء برافراشت و کرت دیگر از راه هند بدان ولایت درآمده و قرب هفت سال من حیث الاستقلال حکومت نمود و در آخر، در کشمیر به قتل رسید. تاریخ رشیدی که به نام رشیدخان، حاکم کاشغر، نوشته، بین‌الجمهور مشهور است و این رباعی نیز از وی بر زبان‌ها مذکور:

عاشق‌شده را اسیر غم باید بود محنت‌کش وادی ستم باید بود
یا از سر کوی یار بر باید خاست یا از سگ کوی یار کم باید بود»
(همان: ۱۶۶۲).

تاریخ‌دانان و پژوهشگران اروپایی کتاب تاریخ رشیدی را به عنوان مأخذ تاریخی بسیار ارزنده و مهم قلمداد می‌کنند. اولین بار عالم انگلیسی، «ویلیام ارسکین» (William Erskine)، این اثر را به عنوان مأخذ ارزشمند تاریخی مورد استفاده داد (ر.ک؛ ارسکین، ۱۸۵۴ م.). وی برای نوشتن کتاب تاریخ هند که در سال ۱۸۵۴ میلادی در لندن چاپ شد، اقدام به ترجمهٔ بخش درخور ملاحظه‌ای از کتاب تاریخ رشیدی کرد (ر.ک؛ همان)، تا بتواند از اطلاعات بسیار مفید آن بهره‌مند شود. ترجمهٔ بخش‌هایی از کتاب تاریخ رشیدی به وسیلهٔ ارسکین، بعدها زمینهٔ مساعدی برای ترجمهٔ کامل کتاب از سوی ادوارد دنسین راس (Denisson Ross) شد (ر.ک؛ راس، ۱۸۹۵ م.).

تا زمان ترجمهٔ کامل تاریخ رشیدی به زبان انگلیسی، استفاده از کتاب به عنوان مأخذ و منبع همچنان در دستور کار محققان اروپایی قرار داشت؛ مثلاً «دکتر وی. بلیو» (W.H. Bellew) در سفری که در سال ۱۸۷۳ میلادی به کاشغر، به سرپرستی «ر. ب. فورت»

نمود، کتابی با عنوان *تاریخ ترکستان شرقی* نگاشت و در نوشتن بخشی از کتاب خود از نوشته‌های میرزا حیدر استفاده کرد (به نقل از: دوغلات، ۱۳۸۴: چهل).

آقای «آر. بی. شاو» (R.B.Show) هم در سفری که به جارکند و کاشغر نمود، با نوشته‌های میرزا حیدر آشنا شد و پس از بازگشت از سفر، بخشی از کتاب *تاریخ رشیدی* را ترجمه کرد و در سال ۱۸۷۶ میلادی در مجله «انجمن جغرافی» منتشر کرد (ر.ک: همان).

بعد از آقای شاو، عالم پژوهشگر، «ایلیوت» (Elliot) در اثر تحقیقی خود به نام *تاریخ هند*، بخش مختصری از کتاب *تاریخ رشیدی* را که به وسیله «داوسون» ترجمه شده بود، وارد کتاب خود کرد (ر.ک: همان). در اینجا شایسته ذکر است که آقای «مورکرافت» (Moorcroft) در اثری به نام *سفرنامه* که در سال ۱۸۲۲ میلادی به چاپ رساند، ذکری از نام میرزا حیدر می‌کند (ر.ک: همان: چهل و یک). اگر او از کتاب میرزا حیدر به عنوان مأخذ استفاده کرده باشد، اولین عالم انگلیسی خواهد بود که از اثر مورد بحث سود جسته‌است. از بین تاریخ‌پژوهان فرانسوی که از *تاریخ رشیدی* به عنوان مرجعی معتبر در کتاب *امپراتوران صحرا* (آتیلا، چنگیز و تیمور) به‌خوبی بهره گرفت، شرق‌شناس و به ادعای بعضی، «پدر تاریخ فرانسه»، یعنی «رنه گروسه» (۱۸۸۵-۱۹۵۲ م.) بود. وی در کتاب خویش درباره میرزا حیدر چنین می‌نویسد:

«تاریخ رشیدی حیدر میرزا (محمد حیدر ثانی)، وارث خاندان دوغلات (دوغلات)، از فرهنگ درخشان و معرفت اولاد و اعقاب جغتایی و خاندان دوغلات (دوغلات) با لحن بسیار مساعدی صحبت می‌کند... هیچ نمی‌توان با اطمینان خاطر گفت که این شاهزاده فاضل، زبان مغولی را می‌دانسته‌است؛ زیرا برای مسلمانی صادق و پاکدل، زبان مغولان قدیمی بدون شک "زبان کفار و بی‌دینان" بوده‌است. در حقیقت، از سالیان دراز، زبان خاندان او و زبان خود او ترکی جغتایی بوده‌است، ولی با این احوال و این سابقه، حیدر میرزا کتاب خود، *تاریخ مغولان آسیای مرکزی* را که به نام *تاریخ رشیدی* معروف است، به زبان فارسی نوشته‌است، حال آنکه همسایه و دوست او "بابر"، خاطرات خود را با نام *بابرنامه*، به لهجه ترکی جغتایی تحریر کرده‌است و نام خود را با آن مخلد نموده‌است. وجود این رجال فاضل و بارع نشان می‌دهد که ترکستان شرقی

(خانات سابق جغتایی شرقی) که امروز از لحاظ فرهنگی به وضع رقت‌باری افتاده، در نیمه نخستین قرن شانزدهم، کانون فروزانی از علم و دانش بوده‌است» (گروسه، ۱۳۶۵: ۸۱۳-۸۱۴).

ارزیابی این گونه رنه گروسه از بُعد فرهنگی، اهمیت شایان استعداد و فعالیت‌های فرهنگی و معنوی میرزا محمد حیدر دوقلات (دوغلالت) را به‌خوبی نشان می‌دهد. همچنین، وی اذعان می‌دارد که منطقه ترکستان شرقی، روزگاری مرکز ثقل تولیدات فرهنگی و ادبی ترکان بوده‌است.

از بین محققان روسی، «و. و. ولیامینوو» (Vladimir Vladimirovich Viyaeminov)؛ کتاب مرجع استفاده نمود (به نقل از: چمنی، ۲۰۱۴: ۹). «و. و. بارتولد» (Vasili Vladimirovich Bartold؛ ۱۸۶۹-۱۹۳۱م.) در تحریر کتاب *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، از اثر میرزا حیدر به حد نیاز سود جسته‌است (ر.ک: بارتولد، ۱۳۷۶) و درباره کتاب وابسته به شرایط زمان چنین ارزیابی کرده‌است:

«اثر تاریخی محمد حیدر که به عقیده فضلالی اروپا تنها اثر مهم ادبی است که در کاشغر آفریده شده‌است و به زبان فارسی نوشته شده‌است. این اثر بعدها چندین بار به زبان ترکی ترجمه شده‌است. از قرن هیجدهم به بعد، زبان ادبی منحصرأ زبان ترکی بود، اما هیچ اثر ادبی شایسته توجیهی به این زبان [در این منطقه] نوشته نشده‌است» (بارتولد، ۱۳۷۶: ۲۷۵-۲۷۶).

علت نزول و سقوط فرهنگ و ادبیات در کاشغر، یکی بی‌توجهی حکومت سعیدیه به زبان و ادبیات ترکی بود و دیگر اینکه سلطه‌طلبی سران، انگیزه‌های ایجاد درگیری و کشمکش‌های داخلی را به اشباع رساند، به حدی که دیگر مفهوم «ایجاد ملتی واحد برای بنیاد کشوری واحد و مستقل» از ذهن توده‌های مردم به‌مرور زدوده شد.

تاریخ رشیدی به عنوان کتابی مرجع از سوی «دکتر اسلام چمنی» نیز در کتابی با عنوان *تاریخ و ادبیات قزاق (پژوهشی با جستار «جامعه و فرهنگ قزاقستان»)* مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌است. کتاب اخیر به زبان فارسی، از سوی رایزنی جمهوری اسلامی ایران در آلماتی، به سال ۲۰۱۷ میلادی به چاپ رسید (ر.ک: چمنی، ۲۰۱۷: ۱۸-۳۰).

۵. ترجمه‌های تاریخ رشیدی

درباره ترجمه تاریخ رشیدی از زبان فارسی به زبان‌های دیگر باید گفت که اولین ترجمه اثر به زبان ترکی انجام گرفته است. کار ترجمه به صورت مستقیم از زبان فارسی به ترکی به قلم خواجه محمد شریف در سال‌های ۱۸۳۷-۱۸۳۸ میلادی انجام گرفته است. این نسخه با همت و کوشش عالم ازبک، امان‌بک حسین‌بک اوغلو جلیل با شرح و توضیحات لازم در سال ۲۰۱۱ میلادی در تاشکند انتشار یافته است (ر.ک: دوغلات، ۲۰۱۱م).

در بین کشورهای اروپایی، اول بار برگردان تقریباً کامل انگلیسی آن به وسیله ادوارد دنیسون رأس به منصفه ظهور نشست که در سال ۱۸۹۵ میلادی در لندن انتشار یافت (ر.ک: رأس، ۱۸۹۵م). برای کار ترجمه از سه نسخه دستنویس موجود در موزه کتابخانه مرکزی بریتانیا و یک نسخه فارسی از بایگانی دانشگاه کمبریج استفاده کرده است. به علاوه، از دو نسخه به ترکی هم بهره کافی گرفته است. در کار ترجمه نیز آقای «ن. الیاس» کمک‌های مؤثری نموده‌اند و از سویی، بر ترجمه اثر، پیشگفتار بسیار مفصل و مفیدی نگاشته‌اند که چراغ راهنمایی برای هر خواننده و پژوهنده می‌تواند باشد. عباسقلی غفاری فرد پیش‌گفتار کتاب الیاس را به فارسی ترجمه کرده، در تصحیح خود آورده است (ر.ک: دوغلات، ۱۳۸۴: ۳۷-۵۰). ترجمه رأس برای بار دوم در لندن به سال ۱۹۸۸ میلادی چاپ شد و برای سومین بار در شهر دهلی هندوستان در سال ۱۹۹۱ میلادی انتشار یافت.

روس‌ها تا امروز به کار ترجمه تاریخ رشیدی تمایلی نشان نداده‌اند که این امر نمی‌تواند جدا از دیدگاه‌های سیاسی سردمداران حاکمیت باشد. ناگزیر ترجمه روسی کتاب بعد از استقلال جمهوری ازبکستان برای استفاده روسی‌زبانان ازبک جنبه عملی به خود گرفت. در کار ترجمه، علمای ازبک؛ از جمله «آ. اورنبایف»، «پ. جلیلووا» و «ل.م. ایفانووا» پیشگام شدند و کار برگردان آن را به زبان روسی انجام دادند. ترجمه مذکور به سال ۱۹۹۶ میلادی در تاشکند، پایتخت ازبکستان، به چاپ رسید. از این نظر، روسی‌زبانان قزاق هم محروم نماندند؛ زیرا ترجمه فوق اخیر در سال ۱۹۹۹ میلادی عیناً در آلماتی، پایتخت سابق جمهوری قزاقستان، منتشر شد (ر.ک: همان، ۱۹۹۹م).

برگردان تاریخ رشیدی از فارسی به قزاقی به قلم دکتر اسلام چمنی انجام شده‌است و به سال ۲۰۰۳ میلادی در شهر آلماتی، پایتخت سابق جمهوری قزاقستان، انتشار یافته‌است (ر.ک؛ چمنی، ۲۰۰۳). در جریان ترجمه، مشاوره‌های استادان گرانقدری چون دکتر عبد ستار دربسعلی، دکتر مکمتاس میرزا احمد اوغلو و دکتر محمد قویگلدی شایان تشکر است. بعد از انتشار اولین ترجمه قزاقی کتاب، رساله فوق دکترای آن به وسیله دکتر اسلام چمنی، با عنوان «تاریخ رشیدی - رمان زندگی» در شورای علمی انستیتوی ادبیات و هنر قزاقستان به ریاست آکادمیک سربیک قیرابای در سال ۲۰۰۷ میلادی با موفقیت دفاع شد و به اخذ مدرک فوق دکترای نائل آمد (ر.ک؛ همان، ۲۰۰۷). دکتر اسلام چمنی در همان سال رساله مزبور را به صورت کتاب انتشار داد (ر.ک؛ دوغلات، ۲۰۰۷). در ترکیه، ترجمه انگلیسی ادوارد راس را «عثمان قاراتای» (Osman Karatay) به ترکی استانبولی برگردانید که در سال ۲۰۰۶ میلادی در استانبول به چاپ رسید (ر.ک؛ قاراتای، ۲۰۰۶). در این کتاب، فقط به ترجمه بخش‌های تاریخی پرداخته شده‌است و عبارات، استعارات ادبی، اشعار و امثال ظرافت‌های سخنوری اثر در ترجمه حذف گردیده‌است.

ترجمه کتاب میرزا حیدر به زبان ازبکی با همت «وهاب رحمان» و همسرش، «یانگیش یگامووا» به انجام رسید و در سال ۲۰۱۰ میلادی در شهر تاشکند، پایتخت جمهوری ازبکستان، منتشر شد (ر.ک؛ دوغلات، ۲۰۱۰).

آخرین ترجمه‌ای که تا امروز صورت گرفته، ترجمه به زبان اویغوری است. این کار به کوشش «میرزا احمد محمد توردی» عملی شده‌است (ر.ک؛ کوره‌گان، ۲۰۰۷). در برگردان کتاب، از نسخه ترکی استفاده شده‌است که ترجمه «ملا محمدنیاز بنی عبدالغفور» می‌باشد و در سن‌پترزبورگ با شماره «س. ۷۵۹» نگهداری می‌شود. این ترجمه در سال ۲۰۱۱ میلادی در شهر اورومچی نشر یافت.

۶ نتیجه

تاریخ رشیدی که در حدود پنج قرن پیش درباره تاریخ نوادگان مسلمان و ترک‌شده چنگیزخان به قلم میرزا حیدر دوغلات به زبان فارسی نوشته شده، اثری بسیار ارزشمند است. گرچه می‌توان اذعان کرد که تقریباً ادامه تاریخ رشیدی فضل‌الله همدانی است،

ولی در سایه تاریخ رشیدی همدانی مانده‌است و آن گونه که بایسته‌است، به اهل علم معرفی نشده‌است. این اثر ارزشمند با وجود اینکه چندین بار تصحیح شده‌است و به چندین زبان هم ترجمه شده، ولی چندان مورد نقد و بررسی قرار نگرفته‌است. همچنین، به نظر می‌رسد که در ایران نیز چندان زیر چشمان تیزبین متخصصان قرار نگرفته‌است. بنابراین، امید می‌رود این نوشته تا حدودی بتواند توجهات را بر این اثر ارزشمند تاریخی جلب نماید.

۷. منابع

بابر، ظهیرالدین محمد. (۱۳۸۷). *بابرنامه*. نسخه ترکی. مزار شریف: چاپخانه میرزا اولوغ‌بیگ. بارتولد، واسیلی. (۱۳۷۶). *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*. ترجمه غفار حسینی. تهران: توس. تتوی، قاضی احمد و آصف‌خان قزوینی. (۱۳۷۸). *تاریخ الفی، تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال‌های ۹۸۳-۸۵۰ هجری*. به کوشش سید علی آل داود. تهران: انتشارات کلبه و انتشارات فکر روز.

چمنی، اسلام. (۲۰۱۷). *تاریخ و ادبیات قزاق (بررسی و تحلیل پیوندهای تاریخی و ادبی با ایران)*. آلماتی: نورلو عالم. رازی، امین احمد. (۱۳۸۹). *هفت اقلیم*. تصحیح، تعلیقات و حواشی سید محمدرضا طاهری (حسرت). چ ۲. تهران: علمی.

گروسه، رنه. (۱۳۶۵). *امپراتوری صحرانوردان*. ترجمه عبدالحسن میکده. چ ۲. تهران: علمی. محمد حیدر دوغلات. (۱۳۸۴). *تاریخ رشیدی*. تصحیح عباسقلی غفاری فرد. تهران: میراث مکتوب. _____ . (۲۰۱۰م). *تاریخ رشیدی*. ترجمه وهاب رحمان و یانگلیش یگامووا. تاشکند: بی‌نا. _____ . (۲۰۱۱م). *تاریخ رشیدی*. ترجمه امان‌بک جلیل حسین‌بک اوغلو. تاشکند: بی‌نا. _____ . (۲۰۱۴م). *تاریخ رشیدی*. تصحیح اسلام چمنی. طراز: انتشارات دانشگاه دولتی طراز.

محمد حیدر کوره‌گان. (۲۰۰۷م). *تاریخ رشیدی*. ترجمه میرزا احمد محمد توردی. سین کیانگ چین: بی‌نا.

Mirza Muhammad Haidar Dughlat. (1895). *The History of Rashidi*. Translated by Denisson Ross. London.

_____ . (1996). *Tarikh-i Rashidi*. Persian Text Edited by W. M. Thackston & Edited by Şınası Tekin and Gönül Alpay Tekin. Harvard: Harvard University.

Erskine, William. (1854). *History of India under the two first soverkings or the House of Taiur, Baber and Humâyun*. London: Longman, Brown, Green and Longmans.